

مقاله پژوهشی

چالش‌های دوگانه‌ی رقیب محور مقاومت - محور سازش در بازسازماندهی نظم در منطقه جنوب غرب آسیا محمد محمودی کیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده: ماهیت پویای تحولات حادث شده در منطقه جنوب غرب آسیا و نیز شکل‌گیری قطب‌بندی‌های جدید امنیتی در آن، بر پیچیدگی‌های آینده نظم و الگوهای همکاری و منازعه در این منطقه راهبردی می‌افزاید. شکل‌گیری دوگانه رقیب محور مقاومت و محور سازش یکی از برجسته‌ترین نمودهای روندهای نظم‌ساز در این منطقه به شمار می‌رود. امری که فرجام آن می‌تواند به شکل‌گیری یک نظم نوین ژئوپلیتیکی با قواعد کنش متفاوتی منجر شود. این تحقیق به دنبال بررسی تأثیرات این الگوهای نوین از روابط میان بازیگران منطقه‌ای است (بیان مسئله). محقق با استفاده از روشی ترکیبی از مصاحبه نخبگانی و تحلیل مضمونی (روش تحقیق)، به دنبال ارائه پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است که چالش‌های دوگانه‌ی رقیب محور مقاومت - محور سازش در بازسازماندهی نظم در منطقه جنوب غرب آسیا، از نظر نخبگان مورد مصاحبه چیست؟ (سؤال تحقیق). شناخت دقیق نحوه تأثیرگذاری دوقطبی یادشده، نیازمند شناخت نحوه توزیع قدرت در منطقه، ویژگی‌های محیطی و نیز نقاط قوت و ضعف هر یک از محورهای یاد شده است. در این تحقیق از میان ۳۰ مصاحبه انجام شده با خبرگان، ۵۸ مضمون در شناخت تغییرات در مؤلفه‌های شکل‌دهنده به محیط کنش، ۷۸ مضمون در توضیح چالش‌های محور مقاومت و ۱۱۴ مضمون در توضیح چالش‌های محور سازش احصا شده است (یافته تحقیق).

واژگان کلیدی: محور مقاومت، محور سازش، نظم منطقه‌ای، جنوب غرب آسیا، چالش‌ها

۱. استادیار پژوهشکده امام خمینی ره و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

شدت پدیده تحولات در دو دهه اخیر، منجر به شکل یافتن اشکال نوینی از نظم ژئوپلیتیک در منطقه جنوب غرب آسیا شده است. مسائلی چون تلاش برای عادی‌سازی روابط اعراب حاشیه خلیج فارس با اسرائیل، رقابت نزدیک آمریکا و روسیه برای افزایش نفوذ در منطقه از طریق تأثیرگذاری بر روند تحولات جاری (به‌ویژه در بحران سوریه)، بروز ناآرامی‌ها و اغتشاشات داخلی در سوریه و عراق و متعاقب آن تأسیس ناکام دولت افراط‌گرای اسلامی عراق و شام و نیز ایجاد یک ائتلاف نظامی به رهبری عربستان در تجاوز به یمن از جمله مواردی است که در ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه مطرح است.

درواقع، چهره جدید ژئوپلیتیکی خاورمیانه را می‌توان با مشخصه‌هایی چون افزایش همکاری‌های استراتژیک برخی بازیگران منطقه‌ای همچون ترکیه و عربستان با اسرائیل در زمینه‌های فنی، بازرگانی، امنیتی و نظامی، سرمایه‌گذاری گسترده عربستان در بخش امنیتی - نظامی و فناوری اطلاعات با همکاری ایالات متحده و اسرائیل، تلاش این کشور برای متنوع‌سازی منابع درآمدی و نیز کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، ویرانی قابل‌ملاحظه و ازهم‌گسیختگی سیاسی - اجتماعی در سوریه، افغانستان و یمن و نیز بخش‌های قابل‌توجهی از عراق ترسیم کرد. علاوه بر این، وجود اختلافات قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای؛ اختلافات ناشی از وجود اقلیت‌های مذهبی، نژادی و زبانی؛ و نیز اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی بر شدت بحران‌های موجود در خاورمیانه افزوده است (عیوضی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه بر اساس مؤلفه‌هایی چون منابع مالی سرشار کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان و امارات، توان طراحی و قطب‌سازی اسرائیل و نیز راهبرد آینده‌نگرانه آمریکا برای تداوم حضور و صیانت از منافع خود در منطقه در یک قطب و همکاری‌های راهبردی اقتصادی، امنیتی و نظامی ایران، روسیه و چین و نیز تحولات میدانی در عراق، سوریه، یمن و لبنان در قطب دیگر در حال شکل‌گیری است.

این تحقیق می‌کوشد تا با مطالعه تأثیرات شکل‌گیری قطب‌بندی جدید همکاری‌های نظامی و امنیتی در منطقه جنوب غرب آسیا، مبتنی بر دوگانه محور مقاومت - محور سازش، چگونگی شکل‌گیری روندهای نظم و قدرت در این منطقه را مورد مطالعه قرار دهد.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگری فعال و اثرگذار در ساخت ترتیبات نظم منطقه‌ای غرب و جنوب غرب آسیا، از ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای تأثیرگذاری بر روندهای نظم‌ساز در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است که کنش فعالانه و هوشمندانه دستگاه دیپلماسی در جریان

بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند درجه آزادی عمل بیشتری را برای کنش سیاست خارجی کشور فراهم آورده و به تبع آن، جایگاه کشور را در نظم در حال شکل‌گیری نظام بین‌المللی ارتقا بخشد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که افکار عمومی نخبگان سیاسی و دانشگاهی مورد مصاحبه در این تحقیق، در خصوص چالش‌های دوگانه‌ی رقیب محور مقاومت - محور سازش در بازسازماندهی نظم در منطقه جنوب غرب آسیا، چه دیدگاهی دارند؟ و این که، رقابت میان دوگانه رقیب محور مقاومت و محور سازش، چگونه بر بازسازی روندهای نظم منطقه‌ای در زیرسیستم جنوب غرب آسیا تأثیرگذار بوده است؟ محقق برای پاسخ به این سؤال، با طرح سؤالات فرعی ذیل، تلاش دارد تا پاسخی تحلیلی بدان ارائه نماید:

- ۱- چه عواملی موجب تغییر در وضع ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است؟
(محیط‌شناسی)
- ۲- محور مقاومت برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟
- ۳- محور سازش برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟

۲. سوابق پژوهشی در این موضوع

بررسی سوابق پژوهشی در حوزه موضوع این تحقیق، حکایت از وجود سه گروه اصلی از تحقیقات در این رابطه دارد:

گروه نخست، همچون یزدانی و شجاع (۱۳۸۶) و اخباری و ایازی (۱۳۸۶) به نقش و تأثیر سیاست‌های به اجرا گذارده شده توسط قدرت‌های سطح نظام بر روندهای نظم‌ساز در منطقه جنوب غرب آسیا اشاره کرده‌اند و مدعی هستند که رقابت‌های منطقه‌ای به دلیل حضور مؤثر آمریکا فشرده‌گی بیشتری پیدا خواهند کرد و لذا، تغییر در نظام خاورمیانه در هزاره سوم را باید در تغییر در الگوهای قدرت، سیاست‌ها، منازعه و همکاری منطقه‌ای جستجو کرد.

دسته دوم تحقیقات با تأکید بر ماهیت نظم بین‌المللی موجود سعی در تبیین نحوه ساخت نظم در زیرسیستم منطقه‌ای جنوب غرب آسیا دارند. دانش‌نیا (۱۳۹۶) با طرح این پرسش که شکل‌گیری و

زوال نظم هژمونیک بین‌المللی از چه منطقی پیروی می‌کند و در نظام بین‌الملل کنونی چه امکاناتی از حیث مفصل‌بندی قدرت و نظم، و رای ظرفیت تمدن غربی، پیش‌رو قرار دارد، برداشتی از مفاهیم قدرت، نظم و هژمونی ارائه می‌دهد که ضمن تبیین چگونگی ایجاد بحران در نظم هژمونیک غرب‌محور، ظرفیت‌های تمدن نوین اسلامی برای شکل‌دادن به نظمی فراگیر در هندسه نوین قدرت جهانی را به بحث می‌گذارد.

دسته سوم تحقیقات بر پویایی‌های سیاسی در درون منطقه جنوب غرب آسیا تأکید دارد. علیدادی (۱۳۹۰) با تأکید بر تحولات متعاقب بهار عربی در کشورهای خاورمیانه، شرایط جدید حادث شده در این منطقه را حائز نشانه‌های فرهنگی و هویتی برجسته‌ای می‌داند به‌طوری‌که در نتیجه آن، بازیگران حاشیه‌ای، معادله قدرت در مرکز را دگرگون کرده و جلوه‌های وستفالیایی قدرت و حاکمیت را به چالش کشیده‌اند؛ لذا، در این محیط جدید، شاهد نقش‌آفرینی فعالانه‌تر عنصر هویت و به تبع آن، ظهور جلوه‌هایی از دگرگونی‌های ژئوپلیتیک در محیط‌های منطقه‌ای هستیم که زمینه‌های تعارض نیروهای مختلف را علیه هم فراهم می‌آورد. قدسی (۱۳۹۱) به دنبال تبیین کدهای ژئوپلیتیکی در عرصه شکل‌گیری جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه و نیز توجه به نقش‌آفرینان و بازیگران اصلی آن است. نگارنده ضمن اشاره به دو بازیگر عمده منطقه‌ای ایران و ترکیه، چنین ادعا می‌کند که ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه این دو کشور را به اصیل‌ترین بازیگران منطقه خاورمیانه تبدیل کرده است. کشیشیان سیرکی (۱۴۰۱) با طرح این سؤال که حمایت ایران از محور مقاومت چه تأثیری بر امنیت این منطقه در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۱ داشته، چنین ابزار می‌دارد که تأثیر حمایت ایران از محور مقاومت موجب گسترش جنگ‌های نیابتی، افزایش فرقه‌گرایی، حمله عربستان به یمن، ارتقا جنگ سرد منطقه‌ای، مسابقه تسلیحاتی، منازعه پیرامون موضوع فلسطین و آنارشیک‌تر شدن فضای منطقه‌ای شده است. یوسفوند و آدمی (۱۴۰۱) چنین نتیجه گرفته‌اند که بر اثر توافق عادی‌سازی ایران به‌عنوان دشمن مشترک در مرکزیت قرار گرفته و به حضور رژیم صهیونیستی در سواحل جنوبی ایران منجر شده که در نهایت به تشدید منازعات و الگوهای دشمنی در غرب آسیا منجر می‌شود. گودرزی (۱۴۰۱) چنین اظهار می‌دارد که امارات به‌عنوان بازیگر سیاسی در منطقه پرآشوب غرب آسیا به دنبال ارتقای جایگاه خود با هدف رفع مؤلفه‌های تهدیدزاست و لذا اقدام به ورود به حوزه‌های تنازع و کشمکش در منطقه، ائتلاف‌سازی با اسرائیل و مشارکت در حمله به یمن کرده است که این رفتارها متأثر از متغیرهای تهدیدزای قدرت مانند توانایی اقتصادی، نظامی و

جمعیت زیاد کشورهای مانند ترکیه و ایران و مجاورت با این کشورها و قابلیت تهاجمی آنهاست. در مجموع، بررسی ادبیات موجود حکایت از آن دارد که علی‌رغم حساسیت و اهمیت موضوع برای دانشوران ایرانی، پویایی مسائل و روندهای جاری در ساخت الگوی نظم‌ساز در منطقه جنوب غرب آسیا، بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید؛ فلذا این ویژگی بر ضرورت استمرار مطالعات علمی صحنه می‌گذارد. از این رو، مطالعه جدیدترین تحولات سیاسی می‌تواند در پیشبرد افق مطالعات پیشین مؤثر واقع شود. همچنین، روش اجرای این پژوهش در احصای بی‌واسطه دیدگاه محققان ایرانی و به طور خاص، محققان غیرایرانی نیز می‌تواند وجه نوآوری دیگر این تحقیق باشد.

۳. روش پژوهش

از منظر روش، محقق از روشی تلفیقی (مصاحبه نخبگانی و تحلیل مضمون) بهره گرفته است؛ بدین صورت که ابتدا در مقام جمع‌آوری اطلاعات، پس از شناسایی خبرگان دانشگاهی، نسبت به برگزاری جلسات مصاحبه با ایشان اقدام و دست آخر، از روش تحلیل مضمون برای یافتن شبکه مضامین بهره گرفته شده است.

۳-۱. مشارکت کنندگان و روش نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان در بخش مصاحبه نخبگانی از میان ۳۰ تن از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی و تا حد اشباع نظری، انتخاب شده‌اند که از این بین، ۱۰ نفر از نخبگان مورد مصاحبه از میان استادان و کارشناسان روابط بین‌المللی غیر ایرانی و ۲۰ نفر هم از جمع خبرگان سیاسی و دانشگاهی ایرانی هستند.

۳-۲. داده‌های کیفی پژوهش

مفاهیم، واژه‌ها و عبارات کلیدی برآمده از مصاحبه با متخصصان، داده‌های کیفی پژوهش را تشکیل داد. ابزار جمع‌آوری داده‌های کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است.

۳-۳. اعتباریابی داده‌های کیفی

به منظور افزایش اعتبارپذیری از روش تلفیق مصاحبه همراه بررسی متون و مدارک استفاده شده است. همچنین مصاحبه‌های کدگذاری شده به پنج نفر از مشارکت‌کنندگان برگشت داده شد تا بررسی کنند

که آیا محققان دیدگاه‌های آنان را نشان داده‌اند. به منظور اعتمادپذیری دو تن از صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌المللی، تجزیه و تحلیل داده‌ها را مجدد انجام داده‌اند.

۳-۴. روایی بخش کیفی

در تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و یادداشت‌های متخصصان، معیار اعتبار پژوهش، میزان تکرار و تأکید بر عبارات، کلمات و مفاهیم کلیدی تا سطحی است که اشباع نظری محرز گردد و داده‌ها تکراری شده و با عبارات‌های قبلی یکسان باشند، به گونه‌ای که عبارات یا مفاهیم جدید به ندرت مشاهده شوند. در این پژوهش، توافق و اجماع بالای متخصصان درباره هر یک از ملاک‌ها و نشانگرهای چارچوب اولیه، اعتبار بالای آن را نشان می‌دهد.

۳-۵. پایایی بخش کیفی

برای اطمینان از پایایی بخش کیفی پژوهش‌ها از آزمون قابلیت اعتماد استفاده شده که به درجه بازیافت‌پذیری و تکرارپذیری داده‌ها از سوی سایر افراد اطلاق می‌شود.

۳-۶. روش تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در فرایند تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از مصاحبه و یادداشت‌های متخصصین در قالب جدول کدهای معنایی جدول واژه‌ها، اصطلاحات، مفاهیم و عبارات کلیدی و مهم مرتبط با چارچوب مورد بحث در این مقاله، تنظیم و سپس در دو مرحله داده‌های مذکور مورد تحلیل مضمون قرار گرفت. در مرحله اول داده‌های پرتکرار یا داده‌های حاوی مضامین مهم و کلیدی طی فرایند مقایسه مستمر و بر اساس وجوه تشابه به‌عنوان مضامین پایه انتخاب شدند. سپس در مرحله دوم، مضامین پایه بر اساس وجوه تشابه و طی فرایند مقایسه مستمر به طبقات کلی‌تر و انتزاعی‌تر تقسیم شدند و بدین ترتیب با مضامین سازمان‌دهنده مرتبط شدند به طوری که دو یا چند مضمون پایه با یک مضمون سازمان‌دهنده ارتباط برقرار کردند.

۳-۷. روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات پایه در این پژوهش بر اساس مصاحبه‌های عمقی با کارشناسان سیاسی و دانشگاهی ایرانی

و غیرایرانی برگرفته شده است. بر این اساس، محقق با شناسایی فهرستی از جامعه هدف سعی در ایجاد ارتباط اولیه با ایشان کرده و پس از کسب نظر موافقت خبرگان برای شرکت در جلسات گفت‌وگو، ابتدا سؤالات پژوهش برای ایشان ارسال شده تا آمادگی ذهنی پیشین برای پاسخگویی در جلسه مصاحبه داشته باشند و سپس زمانی برای برگزاری جلسه گفت‌وگو و یا در صورت تمایل ایشان برای ارسال مکتوب پاسخ‌ها تعیین شد. همچنین از خبرگان مورد سنجش نیز در شناسایی دیگر خبرگان مطلع در این زمینه پرسش شد که این عامل به بسط شبکه نخبگانی محقق کمک شایانی کرد. نخبگان مشارکت‌داده شده در این تحقیق علاوه بر داشتن داشتن تحصیلات دانشگاهی در زمینه روابط بین‌الملل یا علوم سیاسی، در مشاغلی چون سفارت، مدیران و فعالان رسانه‌ای ممتاز، استادان دانشگاه و نیز رؤسای احزاب و جریان‌های سیاسی و اجتماعی برگزیده شده‌اند.

۴. مبانی نظری پژوهش

مسئله ماهیت متحول و در حال شکل‌گیری نظم و پویایی‌های آن در سطح نظام و نیز سطح زیرنظام از موضوعات مورد توجه نظریه‌پردازان و محققان روابط بین‌المللی است؛ چه این که به باور محققان، نظم بین‌المللی معاصر ماهیتی سیال داشته و این پویایی تحت شرایط و نیروهای مختلف می‌تواند دستخوش تغییر قرار گیرد. بر همین اساس، هر درون‌داد قابل توجهی به محیط نظام می‌تواند بر ماهیت نظم سیستمی تأثیرگذار باشد چه این که نظریات مختلفی در این خصوص با وقوع عالمگیری بیماری کرونا و یا وقوع بحران اوکراین مطرح شده است. (رک: محمودی‌کیا، ۱۴۰۰: ۷-۹۱-۷۱).

منطقه جنوب غرب آسیا به واسطه وجود منابع سرشار انرژی و نیز موقعیت ژئوپلیتیکی خود از دیرباز همواره یکی از نقاط کانونی در سیاست بین‌المللی بوده است و در دوره معاصر و پس از اتمام نظام قیومیت بر بخش اعظم این منطقه، بازیگران عمدتاً نظام جهانی همواره تلاش داشته‌اند تا به نحوی بر ماهیت عناصر نظم‌ساز در این منطقه تأثیرگذار باشند. این مسئله با تقویت روندهای ملی‌گرایانه در کشورهای منطقه، اشکال جدید و پیچیده‌تری به خود گرفت. تأسیس رژیم جعلی اسرائیل در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نشان از تأسیس یک ورودی آشوب‌ساز برای کنترل پویایی‌های داخلی این منطقه بود؛ امری که با پشتیبانی‌های غرب از اسرائیل، این دیدگاه را تقویت می‌کند که این رژیم، نیروی نیابتی غرب برای اعمال فشار بر کشورهای منطقه است. از آن زمان تا کنون، توزیع قدرت میان اسرائیل و کشورهای منطقه نیز دستخوش فراز و فرودهای مختلف شده است؛ چنانچه این رژیم جعلی از یک رؤیای شکست‌ناپذیری و قدرت مطلقه پس از جنگ‌های

۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، به رژیم ضعیف شده در قبال عرصه‌های جدید نبرد به طور عمده در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸-۲۰۰۹، تبدیل شد.

این رخداد را می‌توان با کاربست نظریه چرخه قدرت در تحلیل پویایی‌های درونی این منطقه راهبردی جهان مورد تحلیل قرار داد. در همین راستا، دران^۲ در جستجوی توصیف و توضیح مکانیسم، علل و چگونگی انتقال از یک ساختار به ساختار جدید، در پاسخ به این پرسش که چه عواملی موجب دگرگونی در سیستم‌ها می‌شوند و چرا این دگرگونی‌ها، پیوسته در تاریخ همراه با جنگ‌های عظیم بوده‌اند، نظریه چرخه قدرت را ارائه می‌دهد. این نظریه ادعا می‌کند که رشد و زوال قدرت ملی، کلیدی برای فهم وقوع جنگ‌های بزرگ به دست می‌دهد. به اعتقاد دران، تغییر در قدرت ملی از یک الگوی منظم صعود، بلوغ و انحطاط پیروی می‌کند و این خط سیرها، رقابت‌های مرتبط با قدرت‌های بزرگ را انعکاس می‌دهند. هنگامی که این دولت‌ها با وارونگی غیرمنتظره‌ای در مسیر و میزان تغییر در خط سیر قدرتشان مواجه می‌شوند، در معرض شک‌های روانی گوناگونی قرار می‌گیرند که خطر وقوع جنگ‌های عمده را افزایش می‌دهد. نظریه دران از دو بخش تشکیل شده است: بخش نخست، دینامیک صعود و افول قدرت‌ها و بخش دوم، نتایج بخش اول برای جنگ‌های اصلی. به نظر نویسنده، بحران‌های ساختاری فقط از طریق بررسی رفتار تهدیدآمیز چالش‌کننده برای موقعیت قدرت برتر قابل بررسی هستند (اخوان زنجانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

کانون اصلی توجه این نظریه از لحاظ محتوایی، تعادل میان قدرت و نقش است. بر طبق این دیدگاه، نقش هر بازیگر تابعی از قدرت اوست؛ هماهنگی و تعادل میان قدرت و نقش موجب رضایت و صلح می‌گردد. رابطه معکوس نیز مصداق دارد؛ افزایش قدرت از یک سو و محدودیت‌های غیرقابل قبولی که توسط سیستم از طریق نقش محدود بر بازیگر تحمیل می‌شود از سوی دیگر، موجب نارضایتی و کوشش جهت پر کردن فاصله بین قدرت و نقش می‌شود. در نتیجه، قدرت جدید جهت تحصیل منابع، تعیین قواعد بازی و شکل دادن به نظام بین‌الملل، به چالش قدرت فائده‌می‌پردازد (اخوان زنجانی، ۱۳۷۴: ۱۶۶).

در این تحقیق تلاش شده است تا با تکیه بر نظریه چرخه قدرت، به این موضوع پرداخته شود که تغییرات در سطح توازن نیروهای نظم‌ساز در منطقه جنوب غرب آسیا و ظهور دوگانه رقیب محور

² Doran

مقاومت - محور سازش، چگونه بر ساخت روندهای آتی نظم در این منطقه کمک می‌کند؟ و این که مبتنی بر نقاط قوت و ضعف این دوگانه رقیب، چه آینده‌ای در توزیع قدرت میان نیروهای قاعده‌ساز در این منطقه متصور خواهد بود؟

۵. یافته‌های تحقیق

سؤال نخست: چه عواملی موجب تغییر در ترتیبات ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است؟ (محیط‌شناسی)

مضامین		
فراگیر	سازمان‌دهنده	عام
قد برافراشتن چین در سیاست جهانی و بسط نفوذ در خاورمیانه	افزایش اقبال عمومی در منطقه برای بسط همکاری با چین	تلاش عربستان و امارت برای فاصله گرفتن از آمریکا در مقابل تقویت روابط اوراسیا و بهبود روابط با چین و روسیه (م. ۴) تلاش چین برای تسلط هر چه بیشتر بر شریان نفتی خاورمیانه (م. ۷)
	روند افزایشی قدرت‌یابی چین در عرصه سیاست و اقتصاد بین‌المللی	رشد سریع اقتصادی چین در منطقه آسیا پاسفیک به نفع تثبیت جایگاه رهبری چین در این منطقه (م. ۳) بازی چین در زمین قواعد نظم اقتصادی لیبرالی آمریکایی و آسیب‌پذیری و وابستگی اقتصاد چین به دلار (م. ۱۸)
	مهار چین و روسیه به‌عنوان اولویت نخست سیاست خارجی آمریکا	سیاست آمریکا مبنی بر تقویت اسرائیل در منطقه به‌منظور بسط حضور خود در شرق آسیا برای مهار قدرت‌یابی چین (م. ۱۰) اولویت آمریکا برای مقابله با نفوذ چین، روسیه و ایران در منطقه (م. ۵) طبیعت منافع قدرت‌های منطقه‌ای و نیز مواضع مختلف آنها در قبال نحوه مواجهه با منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلال موضوعات و بحران‌های منطقه‌ای (م. ۱) خطر گسترش ناتو به شرق و افزایش تنش‌ها میان روسیه و غرب (م. ۱۸) تقابل سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و چین (م. ۱۸)
حمایت غرب و استقبال برخی از دولت‌های عرب منطقه برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل و نیز وقوع بحران‌های عمیق	تعقیب سیاست مهار ایران توسط اسرائیل	تلاش اسرائیل برای استفاده از اراضی و نیز فضای کشورهای عربی برای مهار ایران و یا واردآوردن ضربه به ایران (م. ۱۱) تلاش اسرائیل برای رویارویی دریایی با ایران و نیز گسترش دامنه جغرافیای نبرد به سوریه و عراق (م. ۱۲)

<p>اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اسرائیل</p>	<p>تلاش اسرائیل برای تقویت قدرت اقتصادی خود در منطقه</p>	<p>تلاش اسرائیل برای تسلط بر منابع انرژی منطقه و نیز بسط نفوذ سیاسی خود در بخش‌هایی از منطقه که از نظر طایفه‌ای، مذهبی و نژادی دچار تشتت است (م. ۱۲)</p> <p>تقویت روابط اسرائیل با هند و اعراب با هدف تفوق نظامی و امنیتی و اقتصادی اسرائیل بر منطقه خاورمیانه (م. ۳)</p> <p>تبدیل کشورهای خاورمیانه به بافت اقتصادی رژیم صهیونیستی از طریق طرح انتقال گاز و برق به عراق، سوریه و لبنان (م. ۳)</p>
<p>تلاش غرب برای عادی‌سازی وضعیت اسرائیل در منطقه و مشروعیت‌بخشیدن به موجودیت آن</p>	<p>تلاش غرب برای عادی‌سازی وضعیت اسرائیل در منطقه و مشروعیت‌بخشیدن به موجودیت آن</p>	<p>تلاش غرب برای وسعت بخشیدن به فضای تنفسی اسرائیل (م. ۲۰)</p> <p>تلاش قدرت‌های سطح نظام برای تغییر ماهیت روابط اعراب و اسرائیل از طریق تعقیب پروژه معامله قرن (م. ۱)</p> <p>سیاست تقارب و آشتی دولت‌های عربی با اسرائیل در پی سیاست چرخش آسیایی آمریکا که موجب ایجاد حس تنهایی و اضطراب در میان متحدان آمریکا شد. (م. ۵)</p> <p>تعقیب طرح‌های سیاسی با عناوین فریبنده و نیز تلاش برای مشروعیت‌سازی سیاست عادی‌سازی از طریق پیمان صلح ابراهیم (م. ۱)</p> <p>تغییر در موازنه ژئواستراتژیک از خاورمیانه به سوی اوراسیا و به نفع اسرائیل (م. ۳)</p>
<p>تمایل بخشی از دولت‌های منطقه برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل به منظور ارتقای نقش و قدرت اقتصادی و همکاری‌های دفاعی</p>	<p>تمایل بخشی از دولت‌های منطقه برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل به منظور ارتقای نقش و قدرت اقتصادی و همکاری‌های دفاعی</p>	<p>تلاش اعراب برای حل مسئله فلسطین از طریق رویه‌های قانونی سازمان ملل (م. ۱۷)</p> <p>خروج اسرائیل از صدر فهرست دشمنان اعراب و جایگزینی آن با ایران (م. ۱۷)</p> <p>عادی‌سازی و بسط روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی در قالب سیاست اتحاد اقیانوس (م. ۱۲)</p>
<p>بروز بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در داخل اراضی اشغالی</p>	<p>بروز بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در داخل اراضی اشغالی</p>	<p>بروز شکاف‌های عمیق و بی‌سابقه در اسرائیل و امکان افزایش خشونت داخلی و بی‌ثباتی سیاسی در اراضی اشغالی (م. ۷)</p>
<p>افول قدرت مطلق کنشگری آمریکا در سیاست جهانی</p>	<p>چالش‌های فراوری سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا ناشی از قدرت‌یابی ایران</p>	<p>تلاش آمریکا برای امتناع از نقش‌آفرینی ایران در پرکردن خلأ راهبردی در منطقه (م. ۷)</p> <p>استفاده از کشورهای عربی به‌منظور مهار ایران برای بسط نفوذ و تسلط آمریکا بر شرق (م. ۳)</p> <p>شکست افسانه شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل (م. ۸)</p>

		شکست هیمنه آمریکا در منطقه در پی مواجهه‌های نظامی ناکامیاب با ایران به‌ویژه پس از ترور سردار سلیمانی (م. ۴) جایگزینی یک رقیب عقیدتی به‌جای یک رقیب سیاسی در دوران پسا شوروی (م. ۲۹)
		پیامدهای سیاست چرخش محور سیاست آمریکا از غرب آسیا به شرق آسیا (م. ۷) تلاش آمریکا برای امتناع از دسترسی روسیه به آب‌های گرم از طریق خاورمیانه (م. ۷) افزایش بی‌ثباتی نسبت به منافع آمریکا در غرب آسیا (م. ۳) افول قدرت هژمون آمریکا در سیاست جهانی (م. ۴) کاهش سطح نیروهای نظامی سنتکام در منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۲۳ (م. ۵)
تلاش عربستان برای بازسازی صورت هویتی جدید برای خود	سیاست هویتی جدید نخبگانی سعودی و افزایش فضای رقابتی با ایران	تشدید سطح رقابت‌های سیاسی و امنیتی میان ایران و عربستان (م. ۱۸) تلاش عربستان برای برساختن تصویر و هویت جدیدی از خود با تعقیب پروژه نتوم (م. ۷)
روند افزایشی قدرت و نفوذ ایران در منطقه	افزایش فشارهای بین‌المللی برای اعمال تغییر در رفتار منطقه‌ای ایران	اجماع‌سازی برای کاهش قدرت منطقه‌ای ایران از طریق اعمال تحریم‌های بین‌المللی، امنیتی‌سازی پرونده ایران و نیز حمایت از بحران‌های داخلی در ایران (م. ۱) تلاش کشورهای جریان عادی‌سازی برای قطع وابستگی عراق به منابع انرژی ایران (م. ۳) افزایش فشارهای بر ایران برای پیشبرد برنامه عادی‌سازی (م. ۱۹)
	موقعیت و مزیت‌های اقتصادی و منابع طبیعی ایران	موقعیت راهبردی ایران در برخورداری از منابع سرشار نفت و گاز در هنگامه وقوع بحران اوکراین (م. ۸) اهمیت یابی فزاینده اقتصادی خاورمیانه و کشورهای برخوردار از منابع انرژی همچون ایران در هنگامه بحران اوکراین و تشدید وابستگی و آسیب‌پذیری غرب از بی‌ثباتی در جریان انرژی (م. ۱۰)
	شکست تلاش‌ها برای انزوای ایران	تلاش برای به انزوا کشاندن ایران در منطقه (م. ۲۰) شکست پروژه اجماع‌سازی علیه ایران در منطقه (م. ۲۸) الهام‌گیری و تأثیرپذیری نسل جدید بازیگران محور مقاومت از انقلاب اسلامی ایران (م. ۲) تغییر در توازن استراتژیک در منطقه خاورمیانه به نفع جبهه مقاومت و ایران به دلیل افول اکثریت نیروهای سنتی در سیاست جهانی (م. ۷)

افول و ظهور قدرت‌های جدید در جهان عرب و منطقه خاورمیانه	تغییر در توازن قدرت میان بازیگران عربی منطقه	<p>بروز بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در مصر (م. ۷)</p> <p>احتمال ظهور قدرت جدید عربی در الجزایر (م. ۷)</p> <p>تثبیت موازنه جدید قوا به نفع محور مقاومت در پی تحولات ۲۰۰۰ به بعد (م. ۴)</p> <p>قدرت‌یابی فزاینده اخوان‌المسلمین و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه (م. ۵)</p> <p>انتقال مرکز ثقل منطقه از دو کشور سنتی سابق مصر و سوریه به حاشیه جنوبی خلیج فارس (م. ۵)</p>
	تغییر در راهبردهای دولت‌های منطقه در قبال تحولات جدید حادث شده در منطقه	<p>بحران در ترکیه و احتمال بروز تنش‌های داخلی به دلیل بحران‌های اقتصادی (م. ۴)</p> <p>تلاش عراق برای بازیابی قدرت پیشین خود (م. ۱۸)</p> <p>رویکرد تجدیدنظرطلبانه ترکیه در سیاست‌های منطقه‌ای خود (م. ۷)</p> <p>سیاست امارات متحده عربی برای کاهش دخالت در بحران یمن و تکیه بر ثروت و سیاست فضای باز برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی (م. ۵)</p>
روند اجتماعی سازی قدرت در منطقه و در عرصه بین‌المللی	شکل‌گیری اشکال جدید قدرت در منطقه	<p>احتمال شکل‌گیری بلوک‌بندی جدید در سیاست جهانی در بین کشورهای تحت ظلم نظام سرمایه‌داری (م. ۷)</p> <p>بروز یک تحول جهانی مبنی بر بیرون‌راندن نفوذ استعماری غرب در همه عرصه‌ها (م. ۷)</p> <p>تغییر در قواعد درگیری در محدود جغرافیایی جنوب غرب آسیا در پی وقوع انقلاب اسلامی (م. ۸)</p> <p>تقویت روندهای دموکراسی‌خواهی در میان جوامع منطقه (م. ۱۰)</p>

سؤال دوم: محور مقاومت برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟

مضامین		
فرآیند	سازمان‌دهنده	عام
استفاده حداکثری از ظرفیت رسانه‌ای برای بر ساختن تصویری	امنیتی سازی ایران در نزد افکار عمومی	ارتقای سطح درگیری و تعارض میان ایران و اسرائیل از سطح منازعه سیاسی و یا درگیری در کشور ثالث به سطح خشونت عریان و عملیات نظامی علیه مقاصد نظامی و راهبردی در داخل اراضی یکدیگر (م. ۱۸) <p>امنیتی سازی چهره ایران در نظام بین‌المللی و افکار عمومی جهان (م. ۱)</p> <p>بازشدن پرونده ایران در خلال جنگ روسیه و اوکراین تحت عنوان حمایت پهپادهای انتحاری از ارتش روسیه (م. ۱)</p>

مخدوش از ایران و محور مقاومت		بدبینی کشورهای عربی از مقاصد و اغراض سیاست خارجی ایران پس از تحولات بهار عربی (م. ۱۷) چالش در حوزه دیپلماسی و سیاست همسایگی برای به رسمیت شناساندن سیاسی و امنیتی محور مقاومت (م. ۲۷)
	تشدید جنگ رسانه‌ای و شناختی علیه ایران	فضای رسانه‌ای ایران‌هراسانه (م. ۱۵) تشدید جنگ شناختی و جنگ‌های هیبریدی علیه ایران و افکار عمومی آن (م. ۱) تلاش غرب برای روایتگری جدید و تأثیرگذاری بر تاریخ و نظام باورهای جوامع عرب مسلمان (م. ۴) اعمال جنگ ترکیبی و جنگ شناختی علیه ایران و جبهه مقاومت برای تغییر در نگرش جامعه عربی و جهانی نسبت به آن (م. ۷) تلاش غرب و متحدان عربی آن برای ارائه تصویری مخدوش از محور مقاومت و هراس افکنی از جبهه مقاومت در افکار رهبران عربی (م. ۱۰)
	تشدید پروژه ایران‌هراسی	مهار ایران عامل اصلی سیاست تقارب اعراب به اسرائیل (م. ۱۷) تسری ادراک ایران‌هراسی از سطح دولت‌ها به سطح جوامع پس از ناآرامی‌های سوریه (م. ۱۷) پروژه ایران‌هراسی غرب برای مقابله با بسط نفوذ ایران در منطقه (م. ۷)
	وقوع بحران‌های اجتماعی و سیاسی در داخل ایران	چالش‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی ناشی از بروز ناآرامی‌های تابستان و پائیز ۱۴۰۱ در ایران (م. ۱) تأثیر اعتراضات داخلی ۱۴۰۱ در ایران بر نحوه و میزان حمایت ایران از محور مقاومت (م. ۷)
کاهش قدرت حمایت‌گری ایران از جریان مقاومت	کاهش توان ایران نسبت به حمایت از جنبش‌های مقاومت در اثر تحریم‌های اقتصادی	چالش‌های ناشی از افزایش دامنه تحریم‌های بین‌المللی علیه قدرت‌کنش اقتصادی برای تقلیل سطح و قدرت حمایت‌گری ایران از محور مقاومت (م. ۱) اعمال محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی علیه کشورهای حامی مقاومت توسط آمریکا و هم‌پیمانان غربی، عربی و عربی‌اش (م. ۱۰) مهار ایران موجب شده تا کشورهای درگیر در پروژه عادی‌سازی در سایه حمایت آمریکا از ظرفیت‌های بیشتری استفاده نمایند و به تقویت روندهای همگرایی منجر شود (م. ۲۷)
سیاست‌های	سیاست‌های غرب برای مهار	تأثیر نفوذ غرب و آمریکا بر تصمیم‌سازی کشورهای عربی منطقه (م. ۲)

حمایت گرایانه آمریکا از کشورهای حامی سازش	نفوذ گفتمان مقاومت و تلاش برای تضعیف آن	وجود ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا در مقابل محور مقاومت (م. ۲) تلاش محافل اطلاعاتی آمریکا و غرب برای الگوسازی هویت پایه در برابر محور مقاومت از طریق طرح پیمان ابراهیم (م. ۲۹) سیاست تنش آفرینی و تفرقه افکنانه آمریکا در بین کشورهای منطقه برای تسریع و تسهیل در فرایند عادی سازی (م. ۲۹) پیشرفت در برنامه خریدهای جدید دفاع هوایی و موشکی کشورهای عربی از آمریکا (م. ۵) میل فزاینده در جهت مسلح شدن گروه‌های لبنانی (م. ۱۸) سیاست حمایت آمریکا مبین بر احیای ابتکار راهبردی و برنامه ریزی برای آبادانی منطقه و احیای توانمندی متحدانش (م. ۷) دخالت و حمایت آمریکا و غرب برای ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی، دینی و فرقه‌ای در کشورهای محور مقاومت (م. ۱۰)
قدرت رسانه‌ای غرب در جنگ رسانه‌ای و روایتگری	ضعف جبهه مقاومت در روایتگری و تصویرسازی در جنگ رسانه‌ای	تحریف رسانه‌ای و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای علیه محور مقاومت (م. ۲) استفاده اسرائیل از برتری فناورانه در عرصه رسانه‌ای برای پیشبرد پروژه عادی سازی (م. ۱۴) فشارهای رسانه‌ای علیه جبهه مقاومت (م. ۴) ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای کنش رسانه‌ای برای روایت سازی (م. ۸) ضعف در قدرت رسانه‌ای در جبهه مقاومت (م. ۲۳) ضعف در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای (م. ۲۴) تلاش اسرائیل برای خلق واقعیت وارونه برای اثر گذاری بر اذهان جامعه عربی و اسلامی (م. ۱۴)
وجود چالش‌های پدیده اقتصادی و اجتماعی در کشورهای حامی مقاومت به واسطه فشارها و محدودیت‌های غرب	بروز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای حامی مقاومت در اثر فشارهای غرب	چالش‌های پدیده و متنوع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای حامی گفتمان مقاومت (م. ۱۸) چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران و وقوع دوره‌های ناآرامی در این کشور (م. ۱۸) قدرت محدود و اثر موقتی کنشگری جنبش‌های اجتماعی در زنده نگاه داشتن مسئله‌ای در افکار عمومی (م. ۱۷) دامن زدن به دوگانه فقر - رفاه برای ایجاد مقبولیت اجتماعی عادی سازی در بین جوامع عربی (م. ۱۸) عدم تسلط کامل و مؤثر دولت سوریه بر کشور (م. ۱۸) تلاش برای قطع وابستگی عراق به منابع انرژی از ایران (م. ۳) وجود نظام تحریم‌های گسترده همچون تحریم‌های معروف به سزار علیه سوریه به منظور ایجاد محدودیت‌ها برای متحدان ایران (م. ۷) چالش‌های اقتصادی جوامع محور مقاومت (م. ۸) عدم دسترسی و برخورداری از کنش اقتصادی ایمن و کارآمد (م. ۲)

<p>تغییر در نظام باورها و ارزش‌های جوامع عربی و اسلامی به واسطه تهاجم فرهنگی</p>	<p>عدم کادرسازی و گفت‌وگو میان نسل‌های جدید و نیز وجود شبکه‌های از مبلغان و کارگزاران فرهنگی با مأموریت مشروعیت‌بخشیدن به گفت‌وگو سازش</p>	<p>تلاش برای تأثیرگذاری بر باورهای جوامع عربی حامی ایده مقاومت همچون عراق برای دست‌کشیدن از حمایت گفت‌وگومانی از ایران و سوق‌دادن ایشان به جامعه عربی (م. ۱۸)</p> <p>تهاجم فرهنگی گسترده نسبت به فرهنگ بومی و دینی کشورهای اسلامی (م. ۱۰)</p> <p>عدم به‌روزرسانی گفت‌وگو مقاومت برای نسل جدید و متناسب با تحولات عصری (م. ۲۹)</p> <p>توسعه روابط فرهنگی و فکری در میان دولت‌های حامی عادی‌سازی (م. ۲۹)</p> <p>وجود شبکه مبلغان اسلامی برای مشروعیت‌بخشیدن به پروژه عادی‌سازی (م. ۸)</p> <p>ضعف در تقویت حمایت و پشتیبانی نخبگانی از گفت‌وگو مقاومت (م. ۸)</p> <p>خطر تطبیع نخبگان و به‌کارگیری ایشان برای تحریف واقعیت‌ها و ارزش‌ها و حقیقت‌سازی وارونه از پدیده‌ها (م. ۸)</p> <p>تلاش برای دین‌سازی در منطقه به‌منظور مشروعیت‌بخشیدن به عادی‌سازی از طریق طرح دین چهارم (دین ابراهیمی) که جامع ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت باشد (م. ۲۹)</p> <p>تلاش برای مشروعیت‌بخشی به عادی‌سازی از طریق ابزار دین (م. ۱۰)</p> <p>سوءاستفاده از مفاهیم مقدس برای مشروعیت‌بخشی به ایده عادی‌سازی (م. ۶)</p> <p>تلاش برای تأثیرگذاری و هدایت جریان روشنفکری در کشورهای عربی (م. ۶)</p> <p>فتنه اختلاف مذهبی شیعه - سنی در منطقه (م. ۴)</p> <p>تلاش اسرائیل برای تأثیرگذاری بر ذهنیت نرم جهان اسلام و مفهوم‌سازی و شکل‌دادن شبکه‌های ذهنی جهان اسلام (م. ۱۳)</p>
<p>فقدان همراهی سیاستمداران عرب و نیز سازمان‌های اسلامی با گفت‌وگو مقاومت</p>	<p>خیانت و عدم همراهی بخشی از نخبگان فلسطینی در همراهی با مقاومت</p>	<p>عدم همراهی تشکیلات خودگردان با نیروهای مقاومت و دست‌اندازی در این مسیر (م. ۲۳)</p> <p>سکوت مجامع اسلامی و عربی در قبال جنایات اسرائیل و پروژه عادی‌سازی (م. ۲۳)</p> <p>خیانت برخی از رهبران عربی به آرمان فلسطین (م. ۲۴)</p> <p>ناکامیابی و عدم موفقیت جبهه مقاومت در یافتن متحدان قابل‌اتکا در داخل و خارج از منطقه در سطح دولتی (م. ۲۷)</p>

<p>تقویت قدرت اقتصادی رژیم صهیونیستی در منطقه در سایه عادی‌سازی روابط با اعراب</p>	<p>همکاری‌های اقتصادی و تجاری اسرائیل با رژیم‌های منطقه منجر به افزایش و تقویت قدرت اقتصادی این رژیم شده است.</p>	<p>تشکیل ائتلاف اسرائیل با کشورهای عرب منطقه، قدرتی مضاعف به این رژیم می‌بخشد (م. ۱۲)</p> <p>تقویت روابط تجاری و اقتصادی اسرائیل و اعراب (م. ۱۲)</p> <p>تأسیس مجمع گازی مدیترانه شرقی در مصر با عضویت اسرائیل در سال ۲۰۱۹ (م. ۱۲)</p> <p>سرعت قابل توجه و پیشرفت در روابط تجاری چین و اسرائیل (م. ۱۴)</p>
	<p>تبعات عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب در خلق تهدیدات نوین برای محور مقاومت</p>	<p>نزدیکی هر چه بیشتر اسرائیل به آمریکا می‌تواند مانعی در برابر موضع ملت‌ها در مخالفت با عادی‌سازی و به رسمیت شناختن اسرائیل باشد (م. ۱۲)</p> <p>تلاش برای عادی‌سازی می‌تواند منجر به خلق تهدیدات جدید علیه ایران و محور مقاومت شود (م. ۱۲)</p> <p>اقدامات اسرائیل برای افزایش دایره متحدان خود در منطقه از آذربایجان تا کردستان عراق و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (م. ۱۸)</p> <p>اعمال برخی سیاست‌های عادی‌سازی در میان کشورهای عرب همچون بازگذاشتن حریم فضایی به روی هواپیماهای اسرائیلی، بازگشایی دفاتر تجاری و سیاسی و یا اجازه ورود گردشگر از سرزمین‌های اشغالی (م. ۱)</p> <p>پیمان ابراهیم می‌تواند منجر به مشارکت راهبردی عمیق‌تری میان اعراب و اسرائیل در برابر تهدید مشترک پنداشته ایشان یعنی ایران شود. (م. ۵)</p> <p>تلاش اسرائیل برای تکمیل حلقه محاصره ایران از طریق ایجاد روابط در مناطق شمالی، غربی و جنوبی ایران (م. ۱۲)</p>
<p>محوریت و نقش عربستان در تعقیب و تحقق سیاست عادی‌سازی</p>	<p>بهره‌گیری و استفاده اسرائیل و آمریکا از نقش و ظرفیت دولت سعودی برای پیشبرد اهداف خود در منطقه</p>	<p>بهره‌گیری عربستان از جایگاه و نفوذ معنوی خود در جهان اسلام برای اعمال فشار بر ایران (م. ۱۸)</p> <p>نقش محوری عربستان سعودی در تشویق اعراب نسبت به الحاق به سیاست عادی‌سازی (م. ۱)</p> <p>تلاش آمریکا برای حفظ متحدانش و به طور خاص عربستان سعودی در موضع باج‌گیری (م. ۷)</p> <p>تقویت نقش قدرت‌های میانی و منطقه‌ای همچون عربستان سعودی، الجزایر، ونزوئلا و برزیل در پی بحران انرژی در قبال جنگ اوکراین (م. ۷)</p>

سؤال سوم؛ محور سازش برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟

مضامین		
فراگیر	سازمان دهنده	عام

فقدان اجتماعی سازی	فقدان پشتوانه اجتماعی و مشروعیت مردمی پروژه عادی سازی	عدم اجتماعی سازی و مشروعیت مردمی عادی سازی (م. ۲۹) (م. ۲۲) (م. ۲۴) (م. ۸) (م. ۱۸) (م. ۳) (م. ۲) (م. ۱) (م. ۹) (م. ۱۲) عدم تمایل ارتش و نیروهای مسلح کشورهای اسلامی متمایل به سازش همچون ترکیه برای همکاری با ارتش رژیم صهیونیستی (م. ۲۶) فقدان رابطه سیاسی اکثریت ۲۱ کشور عربی با اسرائیل (م. ۲۶) جرم انگاری عادی سازی در پارلمان عراق (م. ۲۶) (م. ۱۲) فشار افکار عمومی مانع جدی در برابر پروژه عادی سازی (م. ۱۵) دستوری بودن توافق های صلح و پروژه عادی سازی از بالا به پائین (م. ۲۰) نفرت جامعه عربی از توافق نامه صلح با اسرائیل (م. ۱۱) از بین رفتن عوامل عینی اثربخشی روند عادی سازی در خاورمیانه (م. ۷)
فقدان مشروعیت دینی	عدم همراهی نهاد دین با نهاد سیاست در کشورهای عربی حامی سازش	عدم تأیید پیمان صلح توسط نهادهای سنتی دینی در جوامع دینی عربی همچون الازهر (م. ۱) (م. ۱۱)
وزن ناچیز در سیاست بین المللی و ماهیت غیردموکراتیک کشورهای حامی سازش	وزن کم و قدرت بازیگری محدود طرفداران سازش	وزن پائین کشورهای داخل در پروژه عادی سازی (م. ۲۹) وزن و تأثیر اندک کشورهای حامی سازش در نظم منطقه ای (م. ۴) قدرت بازیگری و تأثیر گذاری اندک حامیان سازش در برابر قدرت محور مقاومت (م. ۲۱) محوریت قدرت های بدون ملت در فرایند عادی سازی در برابر وجود بدنه اجتماعی قدرتمند در محور مقاومت (م. ۲۷)
	ماهیت غیردموکراتیک دولت های حامی سازش	غیردموکراتیک بودن ماهیت رژیم های عربی حامی سازش (م. ۹) فقدان مشروعیت و غیردموکراتیک بودن دولت های حامی عادی سازی و سازش (م. ۱۰)
چالش های داخلی فزاینده در اسرائیل	بحران های اقتصادی	تشدید دامنه بحران اقتصادی پیش بینی شده در اسرائیل (م. ۵) بحران های اقتصادی و اجتماعی عمیق در اراضی اشغالی (م. ۱۹) کاهش سرمایه گذاری صهیونیست ها در داخل از بیم تشدید بحران های امنیتی (م. ۲۶) شکاف و شقاق اجتماعی و سیاسی در بین شهرک نشینان اسرائیلی و بروز کنش های اعتراضی بی سابقه در اراضی اشغالی (م. ۱۸) ظهور و قدرت یابی روزافزون اندیشه پست صهیونیسم (م. ۱۶) چالش های اعراب موسوم به اعراب ۱۹۴۸ به عنوان یک چالش جدی برای

	<p>بحران سیاسی و اجتماعی، فرهنگی</p>	<p>اسرائیل (م. ۲۳)</p> <p>غالب بودن مسائل داخلی بر گفتمان سیاسی اسرائیل (م. ۵)</p> <p>تسلط افراط‌گرایان بر اسرائیل و ظهور چنددستگی بی‌سابقه و نیز احتمال بروز بحران اجتماعی و سیاسی در اسرائیل (م. ۷)</p> <p>سیاست داخلی تفرقه‌برانگیز در اسرائیل و تأثیرات مخرب آن بر احساسات نسبت به اسرائیل در کنگره و سایر بخش‌های آمریکا (م. ۵)</p> <p>ارتباط معنادار میان جبهه مقاومت و جبهه قیام مردمی در داخل اراضی اشغالی (م. ۲۳)</p> <p>وجود یک جامعه متفرق و چندلایه و پراکنده و متشکل از قومیت‌ها و نژادهای مختلف به‌مثابه یک چالش امنیتی و اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی (م. ۲۳)</p> <p>احتمال تشدید روند مهاجرت معکوس در اراضی اشغالی (م. ۲۶)</p> <p>اوضاع سیاسی و اجتماعی و خشم مردمی در سرزمین‌های اشغالی (م. ۱)</p> <p>رژیم صهیونیستی دچار یک وسواس امنیتی است (م. ۳۰)</p> <p>کاهش احساس امنیت شهرک‌نشینان پس از توافق صلح ابراهیمی (م. ۱)</p>
<p>ارتقای توان نظامی و دفاعی نیروهای مقاومت</p>	<p>افزایش اقدامات تلافی‌جویانه و نیز افزایش قابلیت نیروهای مقاومت برای دفاع از سرزمین خود</p>	<p>افزایش اقدامات تلافی‌جویانه محور مقاومت علیه مواضع نیروهای اشغالگر در داخل اراضی اشغالی (م. ۱)</p> <p>قدرت‌یابی جریان مقاومت در قالب ظهور بازیگران جدید در میدان نبرد همچون مسلح شدن جهاد اسلامی و عملکرد موفق آن در خلال نبرد اخیر (م. ۱)</p> <p>افزایش عملیات نیروهای مقاومت در داخل اراضی اشغالی (م. ۱۸)</p> <p>قدرت اقدام و انسجام، دقت و سرعت در جامه عمل پوشاندن به برنامه‌های تهاجمی در بین نیروهای مقاومت حتی در داخل اراضی اشغالی (م. ۲۳)</p> <p>قدرت اجتماعی قابل توجه ایده اسلام سیاسی (م. ۲۴)</p> <p>پیشرفت قابل توجه نیروهای مقاومت در دستیابی به قدرت بازدارندگی و تهاجمی (م. ۲۳)</p> <p>توانایی قابل توجه ایران در زمینه دستیابی به فناوری‌های دفاعی (م. ۴)</p> <p>توانایی قابل توجه در دستیابی به سامانه جنگ الکترونیک (م. ۴)</p> <p>توانایی جبهه مقاومت در جنگ‌های سایبری و اطلاعاتی (م. ۴)</p> <p>روند قدرت‌یابی نیروهای مقاومت از سال ۲۰۰۰ به بعد (م. ۲۷)</p>
<p>سرمایه اجتماعی قابل توجه جبهه مقاومت</p>	<p>افزایش سطح آگاهی‌ها و در نتیجه افزایش سطح اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مقاومت در منطقه</p>	<p>افزایش سطح آگاهی‌های مردمی و بیداری اسلامی در میان ملت‌های منطقه (م. ۱۰)</p> <p>سرمایه اجتماعی قابل توجه اندیشه مقاومت در منطقه (م. ۲۹)</p> <p>وابستگی دولت‌های حامی سازش و عادی‌سازی به آمریکا به‌جای اتکا به قدرت اجتماعی داخلی (م. ۲۹)</p>

ظهور بازیگران غیردولتی حامی مقاومت	قدرت اجتماعی فزاینده در برابر سیاست‌های تهاجمی اسرائیل	احتمال تأثیر فشار افکار عمومی جوامع عربی بر تغییر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها (م. ۲) افزایش قدرت کنشگری بازیگران غیررسمی در فرایند معناسازی و نیز قدرت اجتماعی (م. ۲۵)
مصرف داخلی داشتن عادی‌سازی برای امریکا	محوریت آمریکا در سازش به‌عنوان یک نقطه ضعف	محوریت بیش از حد دولت آمریکا در تثبیت و تضمین فرایند عادی‌سازی (م. ۲۷) مصرف داخلی تعقیب پروژه عادی‌سازی برای دولت‌مردان آمریکا برای تأثیرگذاری بر انتخابات ۲۰۲۴ (م. ۲۲) مصرف داخلی داشتن توافقاتی صلح برای عبور از چالش‌های سیاست داخلی در آمریکا و اسرائیل (م. ۲۱) شاخص اصلی سیاست‌ورزی اسرائیلی، عملگرایی محض منفعت‌طلبانه آمریکاست (م. ۶) تأثیرپذیری نحوه و میزان حمایت دولت آمریکا از اسرائیل از مولفه‌های داخلی سیاست و جامعه (م. ۱۲)
سیاست‌های منطقه‌ای ایران برای عادی‌سازی روابط با اعراب	سیاست ایران در زمینه سیاست همسایگی سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی با اعراب توسط دولت سیزدهم	گفت‌وگوهای ایران و عربستان برای کاهش سطح چالش و بازگشت به وضعیت عادی‌سازی روابط (م. ۲۷) سیاست حسن هم‌جواری و اولویت همکاری با دولت‌های منطقه در دولت رئیسی (م. ۲۷) توسعه روابط منطقه‌ای و نیز سیاست همسایگی ایران منجر به کاهش آسیب‌پذیری در بحث اجماع‌سازی علیه ایران و مهار نفوذ آن شده است (م. ۲۸) ظرفیت توسعه پیمان ابراهیم بیشتر سلبی و به نوع بازیگری ایران بستگی دارد درحالی‌که ظرفیت محور مقاومت ایجابی بوده و بستگی به تحرک اعضای آن دارد. (م. ۲۷)
موقتی بودن پروژه سازش و بقای آن در حد یک توافق سیاسی	شکست عادی‌سازی و برنامه‌های صلح در عرصه عمل	موقتی بودن پیمان صلح به دلیل ابتناء آن بر منافع زودگذر (م. ۲) شکست عادی‌سازی در بعد سیاسی خود (م. ۲۹) بقای توافق صلح ابراهیم در چارچوب سیاسی (م. ۱) شخصی بودن دلایل سیاست تقارب ترکیه و اسرائیل نزد سیاستمداران ترک (م. ۲۶) شکست توافق‌نامه‌های صلح (م. ۴)
هویت برساخته از اسرائیل به‌عنوان رژی می متجاوز و جنایت‌کار	وجود یک تصویر تاریخی از ماهیت نامشروع و جنایتکار اسرائیل	حافظه تاریخی از جنایات رژیم صهیونیستی (م. ۹) جایگاه محوری اسرائیل ستیزی در جهان اسلام به دلیل سابقه جنایتکارانه این رژیم (م. ۱۲) هویت و تصویر برساخته از اسرائیل در جهان اسلام به‌عنوان یک رژیم اشغالگر و نامشروع (م. ۱۶)

احتمال پائین عضویت عربستان سعودی در توافق صلح ابراهیم در کوتاه‌مدت (م. ۱)	عدم ورود عربستان به پیمان صلح و نیز امکان تغییر سیاست‌های کشورهای عربی در قبال آینده توافق عادی‌سازی	سکوت عربستان در قبال برنامه عادی‌سازی
وجود خودآگاهی تاریخی اعراب از سابقه خیانت بار رژیم صهیونیستی (م. ۳) پیوند ناگسستی جریان مقاومت با تاریخ (م. ۲) تداوم عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی (م. ۱۲) تجربه تاریخی خسارت‌بار وابستگی اقتصادی کشورهای مصر و اردن در قبال توافق‌نامه‌های صلح با اسرائیل (م. ۱۰) سابقه پیمان‌شکنی و خیانت‌های رژیم اسرائیل نسبت به اعراب (م. ۴)	تصویر تاریخی و سابقه اسرائیل در پیمان‌شکنی	خودآگاهی تاریخی اعراب از سابقه جنایات بار اسرائیل
شکست هیمنه فناوریانه نظامی آمریکا و آسیب‌پذیری بودن سامانه دفاع موشکی آمریکایی (م. ۴) سیاست نگاه به شرق در نزد سیاستمداران سعودی و آگاهی یافتن از ماهیت رویکرد ابزاری و منفعت‌طلبانه آمریکا نسبت به ایشان (م. ۲۵) عدم تمایل آمریکا برای ورود به یک منازعه نظام با ایران در منطقه و تمرکز بر پیگیری سیاست موازنه منفی در مقابل روسیه در قبال بحران اوکراین (م. ۲۸) مخدوش بودن چهره آمریکا به‌عنوان یک حامی مطمئن در حمایت از رژیم‌های وابسته به او (م. ۱۰) ناتوانی آمریکا و اسرائیل در انجام یک عملیات بزرگ و مؤثر نسبت به مواضع نیروهای مقاومت و ایران (م. ۷) عدم توازن میان درخواست حکام عربی با توانایی‌های آمریکا برای پاسخگویی به آن (م. ۷)	ضعف آمریکا در قبال ایران سیاست منفعت‌طلبانه آمریکا در قبال کشورهای عربی عدم توازن در ظرفیت آمریکا با نیازمندی‌های اعراب	تصویربر ساخته از آمریکا به‌عنوان هم‌پیمان قابل اطمینان در میان کشورهای عربی
استناد اسرائیل به اشغالگری در برابر استناد به حق قانونی و شرعی محور مقاومت (م. ۲) فقدان استدلال قانونی و مشروع برای کنشگری (م. ۲) نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی در اذهان عمومی منطقه و جهان اسلام (م. ۲۵) تکیه محور سازش بر حمایت از بیرون در برابر حمایت از درون محور مقاومت و اخلاقی بودن منطقه مقاومت (م. ۲) جرم‌انگاری عادی‌سازی در پارلمان عراق (م. ۲۶)	فقدان مشروعیت قانونی برای دفاع از خود در برابر مشروع بودن دفاع از سوی نیروهای مقاومت	تلقی از مقاومت به‌عنوان کنشی مشروع
تأثیر جنگ اوکراین بر افزایش قدرت مانور نظامی ایران (م. ۵) تغییر در موازنه قدرت به نفع ایران (م. ۷) افزایش اهمیت راهبردی ایران در پی بحران اوکراین به‌عنوان یک نیاز راهبردی برای روسیه، چین، پاکستان و هند (م. ۷)	- تأثیر بحران اوکراین بر بسط قدرت ایران - شکست بهار عربی و ارتقای منزلت و اعتبار	ارتقای منزلت و جایگاه ایران و نیز افزایش نقش و تأثیر ایران بر

مسائل بین‌المللی	ایران در حمایت از کشورهای هم‌پیمان با او	شکست بهار عربی به‌عنوان پروژه‌ای برای تغییر در توازن استراتژیک به نفع ترکیه و حامیان عربی آن به‌منظور مقابله و جبهه‌سازی علیه نفوذ ایران در منطقه (۷.م) افزایش حضور و نفوذ ایران در مناطق هم‌جواری اسرائیل (م. ۲۰)
ظهور مقاومت در لایه‌های جدید در فلسطین	همبستگی گروه‌های فلسطینی ظهور جریان‌های جدید و پر قدرت در مقاومت سست شدن پیمان اسلو در افکار عمومی فلسطینی	تزلزل در پایه‌های پیمان اسلو و ظهور مقاومت مسلحانه در کرانه باختری و اراضی اشغالی ۱۹۴۸ (م. ۷) انسجام گروه‌های فلسطینی برای مبارزه با اشغالگری (م. ۲۱) اتحاد و همبستگی گروه‌های فلسطینی برای ادامه مسیر مبارزه با اشغالگری (م. ۲۲) حمایت بدنه مردمی از مقاومت و مسئله فلسطین (م. ۲۳) مخالفت گروه‌های فلسطینی با برنامه‌های عادی‌سازی، سازش و معامله قرن (م. ۱۹)
آسیب‌پذیری و وجود زمینه‌های بحران در میان کشورهای حامی سازش	زمینه‌های بحران در کشورهای حامی سازش آسیب‌پذیری کشورهای حامی سازش در برابر ظرفیت‌های اقدام تلافی‌جویانه جبهه مقاومت عدم رغبت برخی از نخبگان عرب در حمایت از آرمان‌رهای فلسطین وجود زمینه‌های رقابت‌های سیاسی پردامنه داخلی در بین	احتمال افزایش فقر، خشونت و بی‌ثباتی در کشورهای سازشگر در پی تغییرات ژئوپلیتیکی آبی (م. ۵) آسیب‌پذیر بودن مراکز حیاتی دولت‌های حامی سازش در برابر نیروهای مقاومت همچون حملات به آرامکو (م. ۴) احتمال بروز شکاف و تضعیف قدرت عربستان سعودی در پی اتخاذ سیاست‌های نوسازی و مدرن‌سازی محمد بن سلمان (م. ۷) افزایش حضور اسرائیل در آن سوی سواحل خلیج فارس منجر به بروز بحران‌های امنیتی و به ضرر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس خواهد شد (م. ۱۹) تضاد گفتمانی میان گفتمان اسلام سیاسی با گفتمان سیاسی حاکم بر کشورهای حامی سازش (م. ۱۴) مشکلات داخلی عربستان مانع از ورود صریح این کشور در فرایند عادی‌سازی شده است و همین مسئله موجب طمأنینه رژیم سعودی در این زمینه شده است (م. ۲۱) عدم رغبت تشکیلات خودگردان برای ادامه مسیر سازش موقتی و بی‌حاصل با رژیم صهیونیستی (م. ۲۲)

کشورهای حامی سازش وجود زمینه‌های چالش اقتصادی در کشورهای حامی سازش چالش بازاریابی ایده سازش در برابر گفتمان مردمی شده مقاومت		فرسایشی شدن جنگ نیروهای ائتلاف عربی در یمن (م. ۴) افزایش مخاطرات امنیتی در امارات بعد از عادی‌سازی به واسطه حضور جمعیت اکثریت مهاجر در این کشور (م. ۲۶) عدم تحقق وعده‌های داده شده در جریان عادی‌سازی برای کشورهای درگیر در آن از جمله مصر (م. ۹) سردرگمی رژیم‌های عربی در منطقه در یافتن تکیه‌گاه امن برای نیل به آمال و منویات سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود (م. ۷) چالش آمریکا و غرب در بازاریابی ایده عادی‌سازی در منطقه غرب آسیا (م. ۲۹)
مصرف داخلی داشتن عادی‌سازی برای اسرائیل	نیاز تبلیغاتی اسرائیل به استفاده ابزاری از سازش برای سرپوش گذاشتن بر چالش‌های داخلی	استفاده ابزاری صهیونیست‌ها از سازش و عادی‌سازی برای سرپوش گذاری بر چالش‌های داخلی خود (م. ۱۵) استفاده ابزاری اسرائیل از عادی‌سازی برای مقاصد سیاسی حزب لیکود (م. ۱۹) مصرف داخلی داشتن پروژه عادی‌سازی برای نتانیاهو برای عبور از چالش‌های داخلی و اتهام فساد ملی به وی و خانواده‌اش (م. ۲۲) شخصی بودن و محوریت منافع حزبی و شخصی سیاست‌مداران آمریکایی و اسرائیلی در تعقیب پروژه عادی‌سازی (م. ۲۱) مصرف داخلی داشتن توافق‌های صلح برای عبور از چالش‌های سیاست داخلی در آمریکا و اسرائیل (م. ۲۱)
مصرف داخلی داشتن عادی‌سازی برای کشورهای حامی سازش	مصرف داخلی داشتن پروژه عادی‌سازی برای کشورهای عرب	مصرف داخلی داشتن پروژه عادی‌سازی برای رژیم‌های عربی همچون سودان و الجزایر در راستای سیاست امتیازگیری (م. ۲۲) عادی‌سازی تنها نیاز مبرم اسرائیل است و اعراب تنها به دلایل امنیتی به آن نیاز دارند. (م. ۷) گرایش مصر به شرق در اثر بحران‌های شدید و گسترده مالی و اقتصادی ناشی از تبعیت این کشور از برنامه‌های آمریکایی (م. ۴)

نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی چالش‌های دوگانه رقیب محور مقاومت - محور سازش در بازساماندهی نظم در زیرسیستم منطقه‌ای جنوب غرب آسیا بود. محقق بدین منظور تلاش نمود تا این مسئله را در قالب سه پرسش اصلی به بحث بگذارد. طبعاً احصای نظرات متخصصان و محققان بین‌المللی می‌تواند دیدگاه دقیق‌تری از زوایای این الگوی رقابت منطقه‌ای ارائه نماید.

سؤال فرعی نخست

چه عواملی موجب تغییر در وضع ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است؟
(محیط‌شناسی)

محقق با بررسی و تحلیل ۵۸ مضامین پایه احصا شده در خصوص شناخت محیط منطقه‌ای جنوب غرب آسیا در قبال تحولات ژئوپلیتیک معاصر، به ۱۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۷ مضمون فراگیر به شرح ذیل دست یافته است.

تحلیل

متغیرهای مختلفی در بازصورت‌بندی ترتیبات منطقه‌ای ایفای نقش می‌کند که سیاست خارجی قدرت‌های قاعده‌سازی چون آمریکا، چین و یا اتحادیه اروپایی در قبال خاورمیانه می‌تواند بر ساخت چهره جدیدی از کنش‌ها و روابط در این منطقه تأثیرگذار باشد. قد برافراشتن چین در طی دهه‌های اخیر و نیز سرعت قابل توجه این کشور در مسیر توسعه و هم‌آوردی در بسیاری از زمینه‌های با آمریکا موجب شده است تا مهار چین به یکی از مهم‌ترین موضوعات و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود. از طرف دیگر، در میان بازیگران عمده نظام بین‌المللی، آمریکا بیشترین هزینه را برای تأمین امنیت در خاورمیانه پرداخت می‌کند در صورتی که دیگران نیز از منافع آن بهره‌مند می‌شوند؛ لذا، آمریکا از این که دیگران نیز در تأمین امنیت و حفظ ترتیبات جاری در این منطقه شریک و سهیم باشند در مقطع کنونی حمایت می‌کند از همین رو، ممانعتی از حضور نظامی چین در آب‌های دریای عمان یا اجرای گشت‌زنی‌های نظامی این کشور در منطقه نمی‌نماید.

از سوی دیگر، آمریکا برای مهار چین نیازمند ابزارهای مؤثرتری است تا بتواند سرعت رشد چین را با کاستی و یا توقف روبرو سازد؛ لذا، سیاست مهار توسط طرف ثالث را اتخاذ نموده تا با قدرتمند ساختن هند و نیز رشد برنامه‌های نظامی پاکستان از یک سو و نیز حمایت از تایوان از سوی دیگر، بتواند گام‌های مؤثری را بدین منظور بردارد. اما این سیاست نیازمند تغییر در تمرکز راهبردی آمریکا از غرب به شرق این قاره است؛ اما این مهم بدون تضمین منافع حیاتی آمریکا در منطقه جنوب غربی میسر نخواهد بود؛ لذا، آمریکا تلاش دارد تا منطقه خاورمیانه را بر اساس سناریوی خود مبنی بر یک ایران ضعیف شده ناشی از فشار تحریم‌های بین‌المللی، یک عراق درهم‌تنبیده شده از انواع چالش‌های توسعه داخلی، در مقابل اتحادی از اعراب و اسرائیل، صورت‌بندی نماید. طبعاً محوریت اسرائیل در این طرح عامل اساسی بوده و تضمین‌کننده استمرار حیات منافع آمریکا در منطقه تلقی می‌شود. باین‌وصف، سیاست چین مبنی بر گشودن درهای همکاری با کشورهای خاورمیانه می‌تواند نقش و

تأثیر بسزایی در راهبردهای سیاست خارجی آمریکا در منطقه داشته باشد. هم‌زمانی این موضوع با افول نسبی آمریکا در عرصه سیاست جهانی منجر به ضعف در منطقه یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی در نظم بین‌المللی شده و فضا برای کنش بازیگران دیگر را فراهم آورده است.

قدرت‌یابی ایران طی دهه‌های پس از انقلاب و محوریت یافتن آن در بازسازی قدرت منطقه‌ای خود و فراهم‌آوردن شرکای راهبردی در منطقه موجب شده است تا زمینه برای کنشگری فعالانه ایران در ترتیبات منطقه‌ای پیش از گذشته فراهم شود و البته این مسئله سیری فزاینده نیز یافته است. خروج اشغالگران صهیونیست از جنوب لبنان، شکست‌های متوالی ارتش اسرائیل از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۵۵ روزه و دیگر مصاف‌های نظامی گسترده و محدود خود با مقاومت از یک سو، و فروپاشی نظام بعثی در عراق در پی حملات نیروهای ائتلاف به این کشور، فضای تنفسی گسترده‌ای به این کشور اعطا کرد تا راه زمینی به سوریه و لبنان برای حمایت از بدنه فعال مقاومت در منطقه برای ایران با سهولت بیشتر فراهم گردد.

تحولات پسا بهار عربی نیز موجب تغییر در ساخت قدرت و نیز ترتیبات منطقه‌ای شد. افول سوریه و مصر از دایره بازیگران عمده عربی و ظهور بازیگران جدید با اقتصادهای روبه‌رشد در حاشیه جنوبی خلیج فارس موجب شد تا در غیاب عراق، سوریه و مصر، عقبه تحولات عربی بیشتر به منطقه جنوبی خلیج فارس با محوریت قطر، و امارات متحده عربی سوق پیدا کند. این امر نیز خود بر تغییر در صورت‌بندی نظم منطقه‌ای تأثیرگذار بوده است.

نکته دیگر در ترتیبات منطقه‌ای، اجتماعی‌سازی گفتمان مقاومت در بین جوامع اسلامی و عرب منطقه است. براین اساس، تجربه خسارت‌بار و تلخ ظهور دولت افراط‌گرای داعش در بخشی از منطقه و عدم حمایت مؤثر آمریکا از دولت‌های درگیر در این بحران، بر این دیدگاه مهر تأییدی زد که آمریکا هم‌پیمان و تکیه‌گاه ایمنی در هنگامه بروز چالش‌ها و بحران‌ها نیست و نمی‌توان بر قدرت بیرونی برای صیانت از امنیت و تمامیت ارضی کشورها تکیه زد؛ لذا، گفتمان مقاومت به‌عنوان یک گفتمان درون‌زا توانسته است در میان بخش‌های گسترده‌ای از جوامع منطقه به‌عنوان گفتمانی کارآمد خود به منصفه ظهور برساند.

سؤال فرعی دوم

محور مقاومت برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟

محقق با بررسی و تحلیل ۷۸ مضامین پایه احصا شده در خصوص شناخت چالش‌های محور مقاومت در قبال تحولات ژئوپلیتیک معاصر، به ۱۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر به شرح ذیل دست یافته است.

تحلیل

هر چند گفتمان مقاومت توانسته است در مصافی پرهزینه و دشوار برتری خود را در میدان نبرد به اثبات برساند و پایه‌ای برای اجتماعی‌سازی خود در میان توده‌های جامعه ایجاد نماید، با این حال، این تصویر از گفتمان مقاومت تنها در داخل جوامعی که مقاومت در آنها به توفیقاتی دست یافته، ترویج شده و به رسمیت پذیرفته شده است. در حالی که قدرت رسانه‌ای جبهه سازش و غرب با استفاده از ظرفیت‌های بالای کنش رسانه‌ای در خلق واقعیت مجاز و تصویر برساخته از حقایق و به یک معنا، قدرت بالای آن در خلق معنای جدید توانسته است تصویری مخدوش از ماهیت گفتمان مقاومت نزد افکار عمومی جهان ایجاد نماید. این مهم در حالی است که وابستگی تکنولوژیک کنش رسانه‌ای به زیرساخت‌های فناورانه که تحت سیطره غرب است، با چالش جدی مواجه شود و قدرت روایتگری از جبهه مقاومت تا حدود قابل توجهی گرفته شود؛ لذا، یکی از مهم‌ترین چالش‌های گفتمان مقاومت، عدم توازن در کنش رسانه‌ای و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان است.

حائز ذکر است که رسانه ابزار مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات قدرت‌های بزرگ و صاحبان آن در عرصه سیاست جهانی بوده به طوری که ایشان تلاش می‌نمایند تا با دست‌اندازی در نظام معنایی و هنجاری مخاطبان خود، ارزش‌های دیگری را نزد ایشان برسانند و نظام فکری و هنجاری مخاطبان خود را به نظام هنجاری خویش نزدیک نمایند. این مسئله می‌تواند به همگون‌سازی و ادغام‌گرایی جوامع محلی در سنت فرهنگی جوامع سرمایه‌داری لیبرالی غرب بینجامد.

مسئله دیگر در نقاط چالش گفتمان مقاومت، فقدان همدلی میان دولت‌ها و سازمان‌های اسلامی در قبال سیاست‌های فزون‌خواهانه غرب و نیز عوامل منطقه‌ای آن همچون رژیم صهیونیستی است. این امر موجب می‌شود تا بار حمایت از گفتمان مقاومت در عرصه نظر و عمل محدود به چند کشور شده که هر گونه اعمال محدودیت در توان حمایتی ایشان می‌تواند مانعی برای آن تصور شود. چنانچه فروافتادن سوریه به ناآرامی‌های بیش از یک دهه اخیر، و بروز حجم بالای ویرانی‌ها در این کشور، از نقش حمایت‌گری دولت سوریه از مقاومت به طور قابل توجهی کاسته است و یا این که تنگنای اقتصادی ناشی از فشار تحریم‌های گسترده علیه ایران نیز بر میزان حمایت ایران از مقاومت تأثیرگذار بوده است.

سیاست عادی‌سازی بخشی از جامعه عربی با رژیم صهیونیستی نیز موجب خروج این رژیم از تنگنای اقتصادی دست به گریبان آن شده و درجه بالاتری از آزادی عمل را برای آن فراهم آورده است که این امر نیز می‌تواند بر شرارت‌های این رژیم در سطح منطقه بیفزاید. حمایت ضمنی و غیرصریح عربستان از فرایند عادی‌سازی نیز می‌تواند به شتاب هر چه بیشتر عادی‌سازی در جوامع عربی منجر شود، هرچند عربستان سعودی تا کنون به طور رسمی به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل ورودی نداشته است.

سؤال فرعی سوم

محور سازش برای ایفا نقش به‌عنوان یک نیروی نظم‌ساز با چه چالش‌هایی در عرصه عمل مواجه است؟

محقق با بررسی و تحلیل ۱۱۴ مضامین پایه احصا شده در خصوص شناخت چالش‌های محور سازش در قبال تحولات ژئوپلیتیک معاصر، به ۴۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۱ مضمون فراگیر به شرح ذیل دست یافته است.

تحلیل

مهم‌ترین چالش سیاست عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل را باید در فقدان وجهه مردمی‌سازی توافق و نیز عدم پشتیبانی نهاد دین از آن دانست. درواقع، توافق عادی‌سازی چیزی بیشتر از یک توافق سیاسی فراتر نرفته و دولت‌های حامی آن نیز هیچ یک نه برخوردار و مستظهر به اراده عمومی مردمان خود هستند و نه از بزرگی و قدرت مانور و تأثیرگذاری چندانی در عرصه سیاست منطقه‌ای برخوردار نیستند؛ لذا، به نظر می‌رسد توافق عادی‌سازی تنها محصول یک اراده سیاسی زودگذر و موقتی است تا یک توافق پایدار.

از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی طی سال‌ها و به طور خاص ماه‌های اخیر از آغاز سال ۲۰۲۳ میلادی، درگیر بی‌سابقه‌ترین موج اعتراضات داخلی بوده و این مهم بر حجم چالش‌های پیشین این رژیم افزوده است. چنانچه مسئله اعراب موسوم به ۱۹۴۸، ظهور طبقات جدید در داخل این رژیم تحت عنوان پست صهیونیست، روند افزایشی مهاجرت معکوس، بحران بیکاری، فساد سیستماتیک در این رژیم، به کاهش قابل توجه مشروعیت داخلی این رژیم منجر شده است.

از طرف دیگر، پر واضح است توافق عادی‌سازی هم برای اسرائیل، هم برای آمریکا و هم برای آن دسته از رژیم‌های عربی وارد در آن، عمدتاً مصرف داخلی داشته و هر یک برای رفع مشکلی فوری

از اولویت‌های داخلی خود بدان ورود داشته‌اند و این توافق پشتوانه محکمی در عرصه سیاست‌گذاری‌های راهبردی ایشان و به طور خاص آمریکا و اسرائیل ندارد.

نکته دیگر در این زمینه، فقدان مشروعیت رژیم صهیونیستی در اذهان جهان عرب و تداوم حافظه تاریخی ملت‌های منطقه از خوی تجاوزکارانه این رژیم است؛ لذا، اساساً اسرائیل در یک موضع نامشروع قرار داشته و توافق عادی‌سازی بر این مبنا، اساساً فاقد یک سرمایه اجتماعی قابل اتکاست.

قدرت‌یابی فزاینده ایران و دیگر بازیگران مقاومت منجر به افزایش هزینه‌های هرگونه درگیری آمریکا و اسرائیل با آن شده و همین مسئله، عامل جدی در فروکاستن توافق عادی‌سازی به یک توافق موقتی و صرفاً بنا شده بر پایه تهدیدات امنیتی است که در خصوص طرف عربی آن می‌تواند پایدار نباشد و درحالی‌که در خصوص طرف اسرائیلی اساساً یک تهدید همیشگی و باصالت است.

چالش دیگر عادی‌سازی، وجود دولت‌هایی است که به‌واسطه اینکه اولاً برآمده از اراده ملت‌های خود نیستند و ثانیاً عمدتاً نظام‌هایی غیردموکراتیک هستند، نمی‌توانند از قدرت تأثیرگذاری قابل توجهی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار نیستند و اتکای عادی‌سازی به این دولت‌ها نمی‌تواند مبنای مناسبی برای پیشبرد اهداف این پروژه باشد. این در حالی است که جرم‌انگاری عادی‌سازی روابط با اسرائیل در پارلمان عراق، سکوت عربستان در قبال آن و عدم اقبال عمومی و فشار افکار عمومی در کشورهای عربی بر دولت‌های متبوع خود مانع عمده‌ای بر سر این توافق سیاسی و امنیتی است. از طرف دیگر، وجود بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بخشی از دولت‌های حامی عادی‌سازی هر چند ایشان را به این توافق سوق داده است، باین‌حال، می‌تواند بر پیچیدگی آن بیفزاید و در ادامه بتواند مانع عمده‌ای بر سر راه توافق آتی باشد.

تداوم سیاست کشتار فلسطینیان و نیز حملات هوایی به اراضی فلسطینی و سوری و نیز نقض حریم هوایی سوریه و لبنان، اولاً به تقویت روحیه مقاومت فلسطینی، لبنانی و سوری و در نتیجه ظهور پر قدرت بازیگران جدیدی در عرصه معادلات نبرد منجر شده و ثانیاً مقاومت را به صورت امری مشروع در برابر خوی تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی بدل ساخته است.

نکته دیگر در تحلیل چالش‌ها و موانع عادی‌سازی، فقدان یک چهره وفادار از آمریکا به هم‌پیمانان خود در منطقه است. امری که موجب شده تا رژیم‌های منطقه نتوانند به آمریکا به‌عنوان یک پشتیبان قابل اعتماد تکیه نمایند و در عوض به دنبال یافتن شرکای قابل اعتمادتر دیگری برای خود هستند؛ لذا، شاهد سیاست نگاه به شرق از سوی کشورهای عربی هستیم؛ سیاستی که با متنوع‌سازی شرکای

راهبردی سعی دارد تا از ظرفیت‌های سطح نظام به طور بهینه استفاده نموده و در تور وابستگی کامل به غرب خارج شود. این امر نیز می‌تواند به تعدیل سیاست‌های غرب‌گرایانه کشورهای عربی بینجامد و به‌عنوان یکی از چالش‌های فراروی توافق عادی‌سازی مطرح شود.

چالش دیگر در برابر پروژه عادی‌سازی، کنش بازیگران غیردولتی در محکوم‌سازی خوی تجاوزکارانه و جنایت‌کارانه رژیم صهیونیستی است. امری که به‌عنوان یک نیروی اجتماعی‌سازی شده می‌تواند بر جهت‌دهی بر افکار عمومی نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی مؤثر واقع شود و به‌عنوان یک نیروی از پائین عمل نماید.

منابع

- اخباری، محمد و ایازی، محمدهادی (۱۳۸۶). «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم». ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، صص. ۳۵-۵۴.
- اخوان زنجانی، داریوش، (۱۳۷۴)، «بحران در سیستم‌ها: ثبات و بی‌ثباتی در سیستم‌های بین‌الملل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۳: ۱۷۱-۱۶۱.
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۶). «چشم‌انداز جایگاه تمدن نوین اسلامی در شکل‌گیری نظم پسا هژمون در اقتصاد سیاسی جهانی». *آینده‌پژوهی ایران*، شماره ۳: ۹۰-۶۷.
- علیدادی، شهربانو (۱۳۹۰). «انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل ۱۹۷۹-۲۰۱۱». *سیاست*، شماره ۲۰: ۱۹۲-۱۷۵.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران». *دانش سیاسی*، سال چهارم، شماره دوم، صص. ۱۵۷-۱۸۵.
- قدسی، امیر (۱۳۹۱). «تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها». *مطالعات بیداری اسلامی*، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۱۷۰-۱۵۳.
- کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۱). «حمایت ایران از محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت منطقه غرب آسیا». *کنفرانس دوسالانه بین‌المللی نظم منطقه‌ای و ساختار اجتماعی در خاورمیانه: از نظریه تا عمل*. تهران: انجمن علمی علوم سیاسی.
- گودرزی، مهناز (۱۴۰۱). «نقش‌آفرینی بازیگران نوظهور در نظم جدید منطقه‌ای خاورمیانه: مطالعه موردی امارات متحده عربی». *کنفرانس دوسالانه بین‌المللی نظم منطقه‌ای و ساختار اجتماعی در*

خاورمیانه: از نظریه تا عمل. تهران: انجمن علمی علوم سیاسی.
محمودی‌کیا، محمد (۱۴۰۰). «جهان پسا کرونا؛ چین محوری یا استمرار آمریکامحوری در روابط بین‌الملل؟». تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۴۸: ۹۱-۷۱.
یزدانی، عنایت‌الله و شجاع، مرتضی (۱۳۸۶). «ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها». دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص. ۸۵-۱۱۱.
یوسفوند، زینب؛ آدمی، علی (۱۴۰۱). «تأثیر توافقی‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی بر الگوهای دوستی و دشمنی در غرب آسیا». کنفرانس دوسالانه بین‌المللی نظم منطقه‌ای و ساختار اجتماعی در خاورمیانه: از نظریه تا عمل. تهران: انجمن علمی علوم سیاسی.